



تمدن سازی یعنی عینیت بخشی به اسلام اجتماعی با بضاعت‌های عصر غیبت

غلامی، رئیس مجمع عالی علوم انسانی اسلامی در همایش اربعین در آینده روشن بشریت در کربلا، گفت: تمدن نوین اسلامی در یک توضیح ساده، یعنی عینیت بخشی به اسلام اجتماعی در محدوده بضاعت های عصر غیبت.

غلامی، رئیس مجمع عالی علوم انسانی اسلامی در همایش اربعین در آینده روشن بشریت در کربلا، گفت: تمدن نوین اسلامی در یک توضیح ساده، یعنی عینیت بخشی به اسلام اجتماعی در محدوده بضاعت های عصر غیبت.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی، رئیس مجمع عالی علوم انسانی اسلامی در همایش بین المللی اربعین در آینده روشن بشریت که ۱۹ صفر برابر با ۲۶ مهرماه در کربلاک معلی در سالن اجتماعات حرم مطهر سیدالشهداء(ع) برگزار شد، به ارائه سخن پرداخت. مشروح این سخنرانی را در ادامه می خوانید؛

سلام و خداقوت عرض می کنم خدمت شما برادران عزیز و شرکت کنندگان در پیاده روی عظیم اربعین حسینی(ع)؛ عظم الله اجورنا و اجورکم بمصابنا بالحسین و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی (ع) من آل محمد(ص). جا دارد در آغاز سخن، از مسئولان و دست اندرکاران محترم این همایش سپاسگزاری کنم. موضوع بحث بنده، «لوازم و اقتضائات انتظار سازنده و تمدن ساز» است. من توفیق داشتم در پیاده روی اربعین سال ۱۳۹۵ شمسی درباره انتظار فرج و مینا و معنای آن صحبت کنم و لذا در اینجا قصد ندارم آن مطالب را تکرار کنم. بحث من در اینجا به بیان دقیق تر آن گونه از انتظار فرجی برمی گردد که عالی ترین درجه را از جهت سازنده بودن داشته باشد. برای شروع بحث، لازم می دانم چند نکته را از باب مقدمه خدمتتان عرض کنم :

یک. هرچند محرومیت از حضور امام (ع) در دوران غیبت یک حادثه بزرگ و دردناک است، اما باید توجه داشت که عصر غیبت عصر سخت ترین و پیچیده ترین انواع ابتلائات است و کسانی که موفق می شوند از ابتلائات عصر غیبت با موفقیت و سربلندی عبور کنند، به درجه بالایی از رشد دست پیدا می کنند. اینکه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «افضل العبادة الانتظار الفرج» از باب امیدواری صرف به آینده و نجات از یأس و پژمردگی روحی نیست- هرچند امید در جای خود بسیار مهم است- بلکه به خاطر آزمایشات سنگینی است که مؤمنین با آن روبرو می شوند و از طریق این آزمایشات، به مراتب بالایی از خودساختگی و رشد می رسند. قرآن مجید در سوره عنکبوت آیه ۲ می فرماید: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْقِنُونَ» آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ نباید فراموش کرد که ظهور امام زمان (ع) نیازمند وفور انسان های محکم و رشد یافته است و این انسان ها در دوران غیبت یعنی دورانی که ما در آن به سر می بریم با آزمون های سخت و پیچیده تربیت و ساخته می شوند.

دو. روشن است که قرآن به عنوان اعجاز پیامبر خاتم (ص) مصون از تحریف است و همین قرآن پایه و اساس معرفت دینی ما را به وجود می آورد. خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». حافظ و نگهبان قرآن خود خداست ضمن آنکه از حکمت الهی به دور است که قرآنی را نازل کند که برای مسلمانان قابل فهم و کاربست نباشد. در روایت مشهوری از امام سجاد(ع) نقل شده که فرمودند: «لَوْ مَاتَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنَ مَعِيَ» یعنی اگر آنچه بین مشرق و مغرب است از بین برود و فقط قرآن با من باشد، ترسی به خود راه نمی دهم. از طرف دیگر، قوه اجتهاد با همه لوازمش، با پیوند میان قرآن و سنت و عقل، به مسائل و نیازهای نوظهور مسلمانان پاسخ می دهد. البته فقدان امام حاضر در خیلی از موارد فرصت دستیابی مسلمانان به مراتب عالی و دقیق معرفت دینی را ایجاد نمی کند یا بدفهمی ها و غلط فهمی هایی را به دنبال دارد که غیر قابل انکار است لکن باید توجه نمود که با حضور فقهای روشن بین و با وجود ابزار قدرتمند اجتهاد، امکان اتصال معرفتی ما به اسلام در عصر غیبت و گم نکردن خطوط اصلی اسلام وجود دارد و مسلمانان می توانند مبتنی بر قاعده معدّرت، با اطمینان قلبی در مسیر اسلام ناب و تحقق اهداف آن حرکت کنند.

سه. این یک اصل مسلم دینی است که در هیچ دوره ای از حیات انسانی، باطل بر حق غلبه ندارد. از نظر قرآن، جریان باطل مانند کف روی آب است؛ بنابراین، ممکن است این جریان هیاهویی هم داشته باشد که دارد، اما سرنوشت محتوم آن نیستی و نابودی است. قرآن مجید در سوره رعد آیه ۱۷ می فرماید: «فَأَمَّا الرِّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» اگر به تاریخ نگاه کنید، جریان باطل کم ظلم و جنایت نکرده است، اما در نهایت به طور آشکار یا غیر آشکار مغلوب جریان حق شده است. در قصیه عاشورا، دستگاه فاسد یزید خود را با به شهادت رساندن امام حسین(ع)

و یاران باوفای امام و همچنین به اسارت گرفتن اهل بیت امام(ع) به ظاهر پیروز می دید، اما خیلی زود این دستگاه فروپاشید و به تاریخ پیوست.

امام صادق(ع) می فرمایند: «لَيْسَ مِنْ بَاطِلٍ يَقُومُ بِإِزَاءِ الْحَقِّ إِلَّا غَلَبَ الْحَقُّ الْبَاطِلَ وَ ذَالِكَ قَوْلُهُ بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ قَيْدَمَةً» یعنی هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آنکه حق بر باطل چیره می شود و این سخن خداوند است که بلکه حق را بر سر باطل می زنیم که آن را در هم می کوبد ... البته وقتی از جریان حق صحبت می کنیم منظور جریان هایی نیست که مدعی حق و حق طلبی هستند، اما خودشان در دام باطل گرفتار شده اند. قاعده پیروزی «ان تنصر الله ينصركم» است. یعنی اگر جریانی خود را حق معرفی کرد اما پیمان الهی را نقض کرد و احکام الهی را سبک شمرد، مژه پیروزی را نخواهد چشید. اینکه بعضی به غلط مطرح می کنند هر عصری از تاریخ حوالتی دارد و حواله تاریخی مسلمانان در این دوران پیروزی بر تمدن غرب نیست، حرف بی اساسی است. جریان حق اگر به راستی بر حق باشد در هر عصری که برای یاری خداوند قیام کند پیروز است هرچند این پیروزی نیازمند سخت کوشی، صبر و مقاومت باشد.

چهار. آن نوع انتظاری که گوشه نشینی و فرار از مسئولیت را نهادینه می کند، مصداق بارز پیمان شکنی و خیانت است. امام صادق(ع) می فرمایند: خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ زند و قلب هدایت شده اش به طرف باطل متمایل نشود. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳) در اینجا چنگ زدن به فرمان اهل بیت(ع) به چه معناست و چه لوازمی دارد؟ یا در روایات آمده منتظر ظهور امام زمان(ع)، «کمن استشهد مع رسول الله» خب، این مقام و منزلتی که برای منتظر ذکر شده است، فقط به خاطر چشم انتظاری صرف، به شک و تردید نیفتادن و خواندن دعای فرج است یا به خاطر تلاش مجاهدانه ای است که در جهت برپا داشتن امر خدا در جامعه اسلامی صورت می گیرد؟ وقتی از امر خدا صحبت می کنیم، این امر سقفی ندارد. یعنی مثلاً نمی توان گفت در دوران غیبت اگر توانستید حکومت اسلامی تأسیس کنید و به صورت نظام مند احکام و ارزش های الهی را در جامعه پیاده کنید، این کار را نکنید چراکه این مرتبه از امر الهی، مربوط به دوران غیبت نیست. خیر، امر الهی را در هر حدی که ممکن باشد باید اقامه کرد و همین اقامه امر الهی است که مقدمات ظهور را فراهم می کند نه تعطیل کردن آن. البته در این میان هستند کسانی که وقتی در یک مقطع تاریخی وضعی در سازمان دینی مشاهده می کنند، این ضعف را در عصر غیبت، ذاتی سازمان دینی معرفی می کنند و اینگونه استنباط می کنند که در عصر غیبت نباید حکومت تشکیل داد یا مدعی جامعه و مدنیت اسلامی شد؛ این در حالی است که اگر در عصر غیبت به سمت تشکیل حکومت و نظامات اسلامی حرکت نشود، و عده ای در این راه با جان و مال و آبرویشان فداکاری نکنند، هیچگاه زمینه برای ظهور مهیا نخواهد شد.

پنج. به نظر می رسد بیان علائم ظهور از سوی پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) از باب تشریفات و یا جهت علم افزایی محض صورت نگرفته است. علامت و شاخص، موقعی معرفی می شود که انسان با دیدن آن عکس العمل مشخصی را انجام بدهد. ما صدها روایت در خصوص علائم ظهور داریم و نمی توان گفت این روایات فقط جنبه علم افزایی دارد. خیر، این روایات می خواهد به مسلمانان بگوید اگر با این علامت ها روبرو شدید و با مراجعه به دین شناسان عصر، نسبت به صحت این علائم به طور نسبی اطمینان پیدا کردید، بدون آنکه در دام توقیت ظهور بیفتید، یا بخواهید متوهمانه برای خودتان جایگاه ماورائی تعریف کنید، وظایف مهمی دارید که باید انجام بدهید. وظیفه شما این است که چه ظهور اتفاق بیفتد و چه اتفاق نیفتد، با تمام توان زمینه ظهور را مهیا کنید، یعنی کاری بکنید که اگر امروز ظهور اتفاق افتاد، توانایی یاری امام در شما وجود داشته باشد. هم یاری سخت افزاری و هم یاری نرم افزاری. دلیل اینکه بعضی ها مقدمه چینی برای ظهور را در حد تهذیب نفس و دعا محدود می کنند، این است که تصور می کنند انقلاب مهدوی صفر تا صدش جنبه اعجاز گونه خواهد داشت، این در حالی است که اولاً ما دلیل مطلق در این زمینه نداریم؛ ثانیاً تا زمانی که قواعد حیات دنیوی در این عالم پرچیده نشده است، انقلاب مهدوی(ع) مبتنی بر این قواعد پیش خواهد رفت، هرچند امدادهای الهی در بالاترین سطح خود امام(ع) را در تحقق اهداف انقلاب یاری خواهد کرد.

شش. من قصد ندارم درباره پیدا شدن برخی علائم ظهور صحبت کنم، اما می خواهم بگویم که شرایط فعلی جهان اسلام شرایط عادی نیست و ارتباط این شرایط با مقدمات ظهور قابل بررسی است. امروز پیروزی های پی در پی و اعجاز آور جبهه مقاومت را نباید دست کم گرفت. قضیه عراق و سوریه و دفع شرّ بزرگ داعش که همه غرب از آن ها حمایت می کرد، مسأله کمی نبود. ذلت اسرائیل و محاصره آن توسط جبهه مقاومت موضوعی نیست که بتوان از کنار آن گذشت. شما به این جوانان حزب اللهی یمنی نگاه کنید. چه کسی فکر می کرد این جوان ها در اوج فقر و تنگدستی این گونه بینی سعودی ها را به خاک بمالند؟ علاوه بر این ها، امروز حرکت تمدنی غرب با سرعت به سمت افول و از هم پاشیدگی حرکت می کند. امریکایی ها که در گذشته با اتکاء به قدرت اقتصادی و نظامی خود هر کاری اراده می کردند، محقق می شد امروز در برابر قدرت انقلاب اسلامی اظهار عجز می کنند. البته در کنار این پیروزی ها، مطالبی هم در دنیا وجود دارد که خیلی از آنها کم نظیر است. امروز رنج و درد مسلمانان محدود به فلسطین و یمن نیست. در خیلی از

نقاط جهان مانند میانمار، نیجریه، کشمیر و غیره جنایات بزرگی علیه مسلمانان صورت می گیرد که حقیقتاً جانگزاز است. پس عرض اول من این است که شرایط امروز جهان شرایط عادی نیست. حالا سؤال من این است که در شرایط غیر عادی باید کار عادی کرد یا غیر عادی؟ آیا باید نشست و با شگفتی به اوضاع نگاه کرد یا باید کاری انجام داد؟ آیا با محافظه کاری، با وادادگی، با آیه یا س خواندن با باری به هر جهت بودن اتفاق مهمی خواهد افتاد؟ اگر باید کاری انجام داد، سؤال اینجاست این کار باید در چه قواره ای باشد؟ من معتقدم امروز باید یک سری کارهای خیلی بزرگ، بلند پروازانه و مبتکرانه انجام داد.

هفت. به نظر می رسد بزرگ ترین کاری که در دوران غیبت خصوصاً در شرایط فوق العاده می توان انجام داد و این کار مصداق بارز انتظار و تمهید مقدمات برای ظهور منجی عالم (ع) محسوب می شود، هموار سازی مسیر شکل گیری تمدن نوین اسلامی است. تمدن نوین اسلامی در یک توضیح ساده، یعنی عینیت بخشی به اسلام اجتماعی در محدوده بضاعت های عصر غیبت. عینیت بخشی به اسلام اجتماعی یعنی ایجاد اتمسفر اسلامی و طراحی و پیاده سازی نظامات اسلامی در این اتمسفر. وقتی از اتمسفر اسلامی صحبت می کنیم منظور وجود گرایش قوی به سبک زندگی اسلامی در جامعه است. تا این گرایش که مولود ایمان است وجود نداشته باشد، نوبت به طراحی و پیاده سازی نظامات اسلامی نمی رسد. اگر نظامات اسلامی در جامعه اسلامی پیاده شود آثار و پیامدهایی در جامعه پدید خواهد آمد که مطمئناً این آثار و پیامدها زندگی فردی و اجتماعی را دگرگون خواهد کرد و همین امر زمینه بسط و تعمیق تمدن نوین اسلامی در جهان را فراهم می کند. خوب آیا ما امروز در شرایط تمدن سازی هستیم؟ پاسخ من این است که ما خودباوری و تفکر تمدنی داریم، اما خیلی از شرایط تمدن سازی را هنوز فراهم نکرده ایم.

بر اساس آنچه به عنوان مقدمه خدمت تان عرض کردم، از اینجا به بعد، بحث روی این محور اساسی متمرکز است که لازمه انتظار سازنده که اوج آن را باید انتظار تمدن ساز معرفی کرد، ایجاد شرایط و لوازم تمدن سازی است که تعبیر دیگر بنده از آن قوی شدن است. قوی شدن یعنی به دست آوردن توانایی های لازم برای ورود به مسیر تمدن سازی. این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که تمدن سازی به این سادگی نیست. بعضی ها بدون آنکه درک عمیقی از تمدن و پیچیدگی های حاکم بر آن داشته باشند، تصور می کنند با شعار دادن و تابلو زدن، عالم اسلامی صاحب تمدن نوین اسلامی خواهد شد! خیر؛ تمدن سازی آن هم در موقعیتی که رقابت با تمدن غرب و غلبه بر آن اجتناب ناپذیر است، کاری بسیار سخت و پیچیده است و اگر قوت لازم وجود نداشته باشد، ایده تمدن سازی در همان بدو حرکت ضایع خواهد شد. با این وصف، بنده قصد دارم به ابعاد قوی شدن که لازمه و مقدمه ورود در مسیر تمدن سازی است اشاره کنم این ابعاد هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی :

یکم. در معرفت دینی و ایمان

تمدن سازی بدون وجود یک دستگاه فکری اسلامی پرقدرت، روشن بینانه و کارآمد میسر نیست. بنده مایلیم از این دستگاه فکری به علوم انسانی اسلامی تعبیر کنم و به صراحت عرض کنم که تا وقتی ما نتوانیم علوم انسانی اسلامی را به مرحله بلوغ برسانیم، صحبت کردن از تمدن نوین اسلامی به شوخی شباهت دارد. متأسفانه این روزها شاهد خنثی سازی تلاش های مؤثر در عرصه علوم انسانی اسلامی از سوی برخی مسئولان هستیم. نمی توان انکار کرد که بعضی از مسئولین و متولیان امور قادر به فهم و درک عمیق اهمیت علوم انسانی اسلامی و مسیر شکل گیری و تکامل آن نیستند و همین امر روند رشد علوم انسانی اسلامی را با اختلال روبرو کرده است. جدای از علم و معرفت، موضوع تقویت ایمان دینی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. در حقیقت، زیست بوم تمامی فعالیت های دینی من جمله علوم انسانی اسلامی در هر سطح و قواره ای ایمان اسلامی است و جدای از آنکه بدون ایمان عمل صالح بالا نمی رود، بدون ایمان روح اسلام در پیکر جامعه، دولت و تمدن اسلامی حضور ندارد. بنابراین، یکی از نیازهای ضروری برای ورود به ساحت تمدنی، ارتقاء ایمان در همه سطوح جامعه است.

دوم. در اخلاص و بی ریایی

امیرالمؤمنین امام علی(ع) می فرمایند : «أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ» یعنی افضل اعمال آن عملی است که تنها برای رضای خدا باشد. اگر عمل انسان خالصانه شد، آن وقت است که به تعبیر حضرت صدیقه کبری(س)، «أَهْبِطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ» خداوند بهترین راه را پیش روی انسان قرار می دهد. یکی از بحث های مهمی که در باب اخلاص قابل طرح است، گمنامی است. انسان مؤمن به دنبال آن نیست که دائماً به دنبال بالا بردن نام و تابلوی خود باشد. حضرت امام صادق (ع) می فرمایند : «أَعْظَمُ الْعِبَادَاتِ أَجْرًا، أَخْفَاهَا» یعنی بزرگ ترین پاداش متعلق به آن عبادتی است که به صورت پنهانی انجام شود. در اینجا عبادت فقط نماز و ذکر و دعا و امثال این ها نیست بلکه هر عملی فردی و اجتماعی است که برای کسب رضایت الهی انجام شود. شهدای گمنام در دفاع مقدس فقط کسانی نبودند که مدارک

شناسایی آنها همراه پیکر مطهرشان پیدا نشد، بلکه به واقع، آنها کسانی هستند که گمنام جهاد کردن و گمنام شهید شدن را یک ارزش والا برای خودشان می دانستند.

سوم. در آمادگی برای مجاهدت

مؤمن کسی است که همیشه آماده جهاد باشد. چه در دوران صلح و چه در دوران جنگ. لذا پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «خیر الناس من حَبَسَ نفسه فی سبیل الله» یعنی بهترین مردم کسی است که خود را وقف در راه خدا بکند. البته با وجود آنکه جهاد نظامی و جانفشانی یکی از برترین مجاهدت هاست، اما منظور من از جهاد، فقط جهاد نظامی نیست. جهاد فرهنگی، جهاد علمی، جهاد سیاسی و جهاد اقتصادی از جمله جهادهایی است که در جای خود اگر از جهاد نظامی بالاتر نباشد، از آن کمتر نیست. اینکه پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الْجَهَادَ تَمَنُّ الْجَنَّةَ» منظور این است که بهشت را ارزان به کسی نمی دهند، بهشت به بی تفاوت ها، منفعت طلب ها، ارحمت طلب ها، ترسوها، تبیل ها و نادان هایی که قادر به باز کردن هیچ قفلی از جامعه اسلامی نیستند نمی رسد؛ بهشتی کسی است که در این دنیا اهل مجاهدت به معنای دقیق کلمه باشد و با مجاهدت خود هزینه بهشت را بپردازد.

چهارم. در اخلاق حسنه و تهذیب نفس

آدم های بی اخلاق و آلوده در حرکت اسلامی جایی ندارند. آدم هایی که ظاهر اسلامی و انقلابی دارند اما به راحتی دروغ می گویند، دهانشان با فحش و ناسزاگویی باز می شود، به راحتی به دیگران تهمت می زنند، به راحتی بقیه را تکفیر می کنند، به راحتی حق دیگران را ضایع می کنند، به راحتی عهد و پیمان خودشان را می شکنند، اهل دغل بازی اند و دائماً به قدرت طلبی فکر می کنند، مانند یک دمل عفونی در حرکت اسلامی هستند که می توانند کل حرکت را عفونی کنند. کسی به محضر امام سجاد(ع) عرض کرد، مرا از تمام دستورهای دین آگاه بفرمایید، حضرت در پاسخ فرمودند حق گویی، قضاوت عادلانه و وفای به عهد. این فرمایش یعنی اینکه کسی که این ها را ندارد مانند کسی است که اساساً به اسلام نگروده است. دوستان توجه داشته باشند که با ابزار باطل و آلوده نمی شود جریان حق را جلو برد، جریان حق نه به ابزار باطل نیاز دارد و نه اساساً با ابزار باطل قابل جمع است؛ ما با دشمن هم با اخلاق و انصاف برخورد می کنیم چه رسد با نیروهای خودمان. با این وصف، تهذیب نفس خیلی مهم است. منتظر واقعی کسی است که برای خودسازی و تهذیب نفس برنامه دارد و یک لحظه از تربیت خود و اطرافیانش غافل نیست. امیرالمؤمنین امام علی(ع) می فرماید: «مَنْ تَصَبَّ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَلِيْدًا بِتَعْلِيْمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيْمِ غَيْرِهِ» یعنی هرکس خودش را پیشوای مردم قرار دهد، بیش از آموختن به دیگران به آموزش خود بپردازد و معلم و مربی خودش باشد.

پنجم. در برادری و گذشت

وقتی از پیاده روی اربعین به مثابه یکی از جلوه های تمدن نوین اسلامی صحبت می کنیم، یکی از ابعاد مهم آن، همین برادری و صفا و صمیمیتی است که بین میلیون ها نفر برقرار است. در کجای دنیا می توان این صحنه هایی که ما در پیاده روی اربعین می بینیم را مشاهده کرد؟ بیش از ۲۰ میلیون نفر در این پیاده روی حضور دارند، اما هیچ نزاعی میان آنها وجود ندارد. همه نسبت به یکدیگر گذشت می کنند. فرد از عمق جان به زوار حسینی ابراز محبت می کند و خانه و زندگی خود را به طمع کسب رضایت اباعبدالله(ع) در اختیار زائرانی که هیچ آشنایی قبلی با آنان ندارد قرار می دهد. در طول همین دو هفته ای که پیاده روی صورت می گیرد، چند هزار میلیارد تومان توسط مردم هزینه می شود و جالب اینکه اکثر کسانی که مال خود را در این راه نورانی بذل می کنند، از جهت اقتصادی جزو طیف های معمولی و حتی ضعیف جامعه محسوب می شوند. ما اتفاقاً دنبال تمدنی هستیم که روابط و مناسبات اجتماعی از فرد گرایی بی رحم غربی به برادری اسلامی به معنای دقیق کلمه سوق پیدا کند. ما دنبال مدنیتی هستیم که اعضاء جامعه خود را یک پیکر واحد بدانند و برای رشد و ترقی همدیگر تلاش نمایند.

ششم. در شناخت زمانه و پیچیدگی های آن

امام صادق(ع) می فرماید: «الْعَالِمُ يَرْمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْاَوْبَاسُ» شبهات به کسی که زمانه خودش را بشناسد هجوم نمی آورد. امور بر او مشتبه نمی شود؛ فریب نمی خورد و در دام هایی که پهن شده نمی افتد. اینکه باید همیشه به تاریخ و همچنین شرایط روز اشراف داشت و حتی بتوان آینده را از طریق سنت های الهی و انطباق آن با علائم و نشانه ها پیش بینی کرد، یک امر فردی صرف نیست، بلکه یک امر اجتماعی و سیستمی است. در واقع، اشراف اطلاعاتی بالا، و پرهیز از تعمیم و قانون سازی از مشاهدات شخصی و ذوقی، چه درباره جامعه اسلامی و چه درباره سایر جوامع خصوصاً دشمن یک امر صد در صد ضروری است و برای این منظور علوم و فنونی پیشرفته ای هم وجود دارد. البته نباید

درباره شناخت ساده سازی صورت بگیرد. نه خود شناخت و دانش و فناوری های آن یک امر ساده ای است و نه جوامع مورد شناخت ساده هستند. باید توجه داشت که اگر اشراف اطلاعاتی وجود داشت، آن وقت است که جلوی تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های ابلهانه و رفتارهای غلط اعم از سیاسی و مدیریتی گرفته می شود. باید قبول کنیم که ما در این زمینه عقب هستیم و در خیلی از زمینه ها برداشت درستی از عمق واقعیت های جاری در جامعه خودمان نداریم چه برسد به برداشت های درست درباره عمق واقعیت های جهان و لذا گاهی در توهمات خود غرقیم.

هفتم. در تشخیص مرز میان حق و باطل

گاهی مرز میان حق و باطل از مو باریک تر است و تشخیص جبهه حق از جبهه باطل کار آسانی نیست، لذا هنر منتظران واقعی این است که حق را که خیلی اوقات با باطل درآمیخته شده بشناسند و جبهه ها را از هم تشخیص بدهند. اگر به تاریخ اسلام نگاه کنیم، یکی از مشکلات مبتلا به مسلمانان گم کردن مرز میان حق و باطل و افتادن در جبهه باطل به ویژه در شرایط فتنه خیز است. حرف کلیدی امام حسین(ع) در بیان فلسفه قیام عاشورا همین است که کار به جایی رسیده که در اثر تبدیل معروف به منکر و بالعکس، مرز میان حق و باطل گم شده است. در این شرایط، این امام است که مناره، پرچم و شاخص حق است و مؤمنین باید موقعیت خود را پشت سر امام تنظیم کنند. خب، حالا در عصر غیبت چه باید کرد؟ آیا می توان گفت که در زمان غیبت امام(ع) تکلیفی متوجه مسلمانان برای فهم و موقعیت یابی مرز میان حق و باطل نیست؟! مطمئناً هیچ عقل سلیمی این را قبول نمی کند؛ بنابراین، در عصر غیبت این فقیه جامع الشرایط و نایب امام است که نقش مناره و پرچم حق را ایفا می کند. البته همانطور که اشاره شد، نه فقط به خاطر شرایط فتنه خیز، بلکه به خاطر پیچیدگی های حاکم بر زمانه، تشخیص حق هم یک امر بسیار پیچیده است و خودش به یک مجاهدت نیاز دارد.

هشتم. در مدیریت افکار عمومی

قدرت افکار عمومی به قدری در تحولات و موفقیت های اجتماعی نقش آفرین است که جا دارد از آن به عنوان یکی از قوای اصلی حاکمیت اسلامی در کنار سه قوه دیگر تعبیر کرد. با این وصف، نباید اجازه داد شرایط فتنه خیز یا عملیات روانی دشمن، افکار عمومی را به اسارت بگیرد توان ادراکی آن را فلج کند. اگر افکار عمومی در جامعه اسلامی مترقی و همسو با اهداف اصولی نباشد و اعتماد جامعه نسبت به حقانیت حرکت متزلزل شود، عملاً شرایط برای سقوط جامعه مهیا خواهد شد. با این ملاحظه صیانت از افکار عمومی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، البته در جامعه اسلامی، قرار نیست چیزی به افکار عمومی تحمیل شود یا مانند برخی دولت های غربی، خود حاکمیت علیه افکار عمومی عملیات روانی کند، بلکه پایه و اساس کار، اقناع افکار عمومی بر اساس حقیقت است. ما امروز نه فقط در واکنش به افکار عمومی در برابر شبهات کم کاری کرده ایم، بلکه راه نفوذ دشمن در سازمان افکار عمومی را باز گذاشته ایم و این ایراد باید برطرف شود.

نهم. در قانون گذاری و تربیت اجتماعی

در جامعه اسلامی، حرف اول و آخر را قانون می زند و برتری جامعه اسلامی به قوانین مترقی و کارآمدی است که وضع می کند. پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرمایند: «حَدَّثَ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِينَ سَنَةً» یعنی فضیلت اجرای قانون الهی در جامعه از هفتاد سال عبادت هم بالاتر است. البته با وجود آنکه جوهر قانون در جامعه اسلامی شرع مقدس است، اما وضع قانون اجتماعی با فرم صحیح، آن هم بر حسب نیازها و شرایط، هنری است که قوه عاقله به انسان ها می دهد. ما امروز در زمینه قانون گذاری با ضعف های جدی روبرو هستیم و از قوه مقننه ای که توانایی لازم را برای وضع قانون خوب برخوردار باشد و بتواند در کنار سایر قوانین یک سیستم اجتماعی را تولید کند بی بهره ایم. اگر قانون قوی وضع نشود، نه فقط خود قانون به عامل غیر مستقیم نابسامانی و فساد تبدیل می شود، بلکه هیچگاه یک سیستم اجتماعی کارآمد تشکیل نخواهد شد. از طرف دیگر، قانون خوب زمانی اجرا می شود که نرم افزار تربیت اجتماعی بر اساس قانون بوجود آمده باشد. اعضاء جامعه از کودک تا کهن سال در سطوح گوناگون هیچگاه بی نیاز از تربیت اجتماعی نیستند و نظام آموزش عمومی و رسانه ها وظیفه دارند، با اتکاء به نرم افزار تربیت اجتماعی، جامعه را به مثابه یک جامعه قانون مدار تربیت کنند. خیلی از مشکلات و بی انضباطی هایی که امروز جامعه ما با آن دست به گریبان است به خاطر فقدان نرم افزار تربیت اجتماعی و همچنین ضعف مغرط نظام آموزش عمومی و رسانه هاست.

دهم. در علم آموزی و بسط و گسترش مرزهای علم

آنچه به جامعه اسلامی قدرت می دهد و زمینه تمدن سازی را فراهم می کند علم است و لذا امیرالمؤمنین علی(ع)

می فرمایند : «العلمُ سلطانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا به و من لم يَجِدْهُ صَالِحًا عليه» یعنی دانش سلطنت و قدرت است، هر کس آن را بیابد با آن به ابتکار عمل دست پیدا می کند و پیروز می شود و هر کس آن را از دست بدهد منفعل و مغلوب می شود. در اینجا این سؤال مهم مطرح می شود که آیا هر علمی قدرت زاست؟ پاسخ این سؤال را خود امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند که «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا تَقَعَّ» یعنی بهترین علم آن است که مفید باشد. مفید بودن علم یعنی اثر آن در بهبود و پیشرفت جامعه، و در یک کلام، در قدرتمند شدن جامعه ملموس باشد. علمی که تزئینی باشد و کمکی به پیشرفت حقیقی نکند یا آن علمی که نفعش برای دیگر جوامع بیش از جامعه اسلامی باشد، علم نافع نیست و چون نافع نیست قدرت را هم نیست. با این حال، بحث بنده فراتر از این حرفهاست. بحث در این است که ما باید در عرصه علم یک میدان تازه ایجاد کنیم، میدانی که بتواند معادلات و مناسبات تازه ای را در زیست فردی و اجتماعی بشر بوجود بیاورد و تاریخ سازی کند. امروز بشر به یک انقلاب تازه در عرصه علم نیاز دارد که بتواند او را از خیلی از بن بست هایی که مدرنیته برای او ایجاد کرده نجات دهد و ما می توانیم با اتکاء به اسلام این میدان را به وجود بیاوریم. اگر این کار را کردیم، آن وقت است که در مسیر تمدن سازی گام برداشته ایم.

یازدهم. در ابداع و بکارگیری صحیح فناوری

حرکت در مسیر تمدن سازی جز با ابداع فناوری های تازه و تحول آفرین ممکن نیست. اگر یک جامعه نتواند برای تحقق اهداف خود به انواع فناوری های نرم و سخت دست پیدا بکند، و سپس این فناوری ها را به جریان زندگی فردی و اجتماعی مردم متصل بکند، عملاً تمدنی توسط آن خلق نشده است. البته همانطور که اشاره کردم، بنده فناوری را منحصر به فناوری سخت نمی دانم و معتقدم در عصر حاضر فناوری های نرم از اهمیت دوچندانی برخوردار شده اند. البته در کنار ابداع فناوری های تازه، استفاده درست از فناوری های موجود در جهت تحقق اهداف مورد نظر اهمیت بالایی دارد. دأب جمهوری اسلامی در این چهل سال قهر با فناوری های مدرن به دلایل عقیدتی و فرهنگی نبوده است، اما من معتقدم ما در به کارگیری فناوری های نو برای عینیت دادن به اهداف انقلاب اسلامی عقب هستیم.

دوازدهم. در مردم سالاری دینی

ترکیب مردم سالاری با دین یک ترکیب صناعی نیست، بلکه این ترکیب یک ترکیب طبیعی و ارگانیک است که برآمده از روح تفکر دینی است. در چهل سالی که از انقلاب اسلامی گذشته است، مردم سالاری دینی با تجربه موفقی روبرو بوده است. برگزاری میانگین یک انتخابات در سال آن هم عمدتاً با مشارکت بالای هفتاد درصد و نتیجه آن، یعنی به گردش درآمدن قدرت در جامعه ایران، نشان دهنده موفقیت مردم سالاری دینی در ایران است. آنچه در مردم سالاری دینی بیش از هر چیز درخشان است، ولایت فقیه است که بر خلاف نظر روشنفکران غربزده، نه فقط در عمل به تحقق منافع و مصالح ملی کمک منحصربه فردی کرده است، بلکه بیشترین نقش را در صیانت از آزادی سیاسی در ایران ایفا کرده است. من معتقدم اگر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ولی فقیه نبود، امروز از سوی غربگراها نوع شکی از استبداد سیاسی در ایران حاکم شده بود. با همه این ها، ما در بسط و تعمیق نظام مردم سالاری دینی کار چندانی نکرده ایم. نه در عرصه تئوریک و نه در عرصه عمل ضعیف هستیم. در موضوعاتی مانند مشارکت سیاسی، تشکل سیاسی، آزادی و عدالت سیاسی، نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر و موضوعاتی از این دست باید کارهای جدی ای در آینده انجام شود.

سیزدهم. در اعتماد به نفس و اراده اجتماعی

هرچند انقلاب اسلامی در احیاء خودباوری و اعتماد به نفس ملی در ایران کار عظیمی کرده است، لکن باید توجه داشت که حرکت در مسیر تمدن سازی به درجه بالاتری از اعتماد به نفس و اراده اجتماعی نیاز دارد؛ چیزی که امروز در جامعه ما مشاهده نمی شود. اصولاً تمدن سازی یک حرکت پروژه ای نیست. ضمن آنکه مردم در آن نقش اصلی را بر عهده دارند و لذا تا زمانی که نسبت به امکان تمدن سازی باور پیدا نکنند و به اراده جمعی در این زمینه نرسند، شکل تمدن نوین اسلامی در حد یک شعار نخبگانی باقی خواهد ماند. البته ارتقاء بصیرت سیاسی و مصونیت یابی در برابر جنگ روانی در ایجاد اراده اجتماعی نقش مهمی دارد. اگر مردم هر روز بر حسب یک شبهه یا شایعه نظر متفاوتی درباره جامعه و حاکمیت داشته باشند، هنوز از آمادگی لازم برای ورود به مسیر تمدن سازی برخوردار نیستند.

چهاردهم. در مدیریت و کارآمدی

مدیریت و کارآمدی زاینده دانش انسانی و اجتماعی متمدنی، قدرت تربیت نیرو بر اساس این دانش، برقراری فرهنگ مدیریتی صحیح و از همه مهم تر، رشد عقلانیت ابزاری است. در حقیقت این چهار عنصر با هم می توانند یک سیستم

مدیریتی قوی و کم نقص با هزاران نوع قاعده، روش و ابزار کارآمدی که در بطن این سیستم قرار می گیرد را پدید آورند. ما امروز در هر چهار عنصر با ضعف های جدی روبرو هستیم ضمن آنکه جریان مدیریتی غربزده هم دست از سر مدیریت کشور برنمی دارد. هرچند غربی ها در مدیریت بسیار جلو هستند، اما غربزده ها در این زمینه چیزی از غربی ها به ارث نبرده و فقط ابلهانه به ظواهر و تزئینات مدیریت غربی دل خوش کرده اند. نباید فراموش کرد، اگر ما به یک سیستم مدیریتی صحیح به مثابه یک مؤلفه تمدنی کلیدی دست پیدا نکنیم، هیچ یک از سایر مؤلفه های تمدنی ما را در مسیر تمدن سازی وارد نخواهد کرد.

پانزدهم. در بُنیه مالی و اقتصادی و محرومیت زدایی

تمدن سازی چه با روش نرم، چه با روش سخت و چه توأمان، به سرمایه های هنگفت و فعلیت یافته نیاز دارد و اگر این سرمایه نباشد، سایر سرمایه ها، مانند نیروی انسانی توانا، منابع بی نظیر معدنی و غیره هرچند هم که بالقوه ثروت تلقی شوند، کمک چندانی به تمدن سازی نخواهند کرد. البته فراهم کردن این سرمایه با روش های لیبرالیستی، نقض غرض بوده و خودش مایه دور شدن از روح تمدنی نوین اسلامی است، لذا دشواری کار در اینجا است که سرمایه مورد نیاز تمدن سازی از طریق روش های جدید مبتنی بر اقتصاد اسلامی فراهم شود. از طرف دیگر، نمی توان از تمدن نوین اسلامی سخن گفت، اما به محرومیت ها پی توجه بود، هرچند من معتقدم محرومیت زایی خودش جزئی از زنجیره تمدن سازی است لکن مهم این است که بتوانیم محرومیت زدایی را مقدمه ورود به ساحت تمدن سازی تلقی کنیم. ما باید وجود محرومیت در جامعه اسلامی را یک ننگ بزرگ بدانیم. اگر محرومیت زدایی به معنای دقیق کلمه در همه ابعاد اعم از اقتصادی، فرهنگی، علمی و سیاسی به درستی اتفاق بیفتد، بخش مهمی از مردم که به دلیل محرومیت توان مشارکت فعال در تمدن سازی را ندارند وارد این چرخه می شوند ضمن آنکه محرومیت زدایی، اراده اجتماعی برای تمدن سازی را تقویت می کند.

شانزدهم. در سلامتی و تندرستی

جامعه ای که از جهات جسمی و روحی سلامت و قوی نباشد و با بیماری های اپیدمیک رو در رو باشد، این جامعه از توان حرکت در مسیر پر پیچ و خم تمدن سازی برخوردار نیست. اینکه بخشی از مردم ما با مشکل دیابت، فشار خون بالا، اختلال در دستگاه گوارش و غیره مواجه هستند و سالانه بخشی از مردم به همین دلیل جان خود را از دست می دهند، نشان دهنده یک ضعف بزرگ در سیستم بهداشتی - درمانی کشور است. همین مسأله در ارتباط با بیماری های روانی مانند افسردگی مزمن هم مطرح است که اتفاقاً آثار مخرب آن از بیماری های جسمی به مراتب بیشتر است. واقعیت این است که در حال حاضر عمده سرمایه گذاری در کشور ما بر روی درمان است نه پیشگیری و همین امر موجب شده تا سالانه یک هزینه نجومی بابت درمان توسط مردم به سیستم درمانی کشور پرداخت شده و عده ای را روز به روز پولدار تر کند. به هر حال، نباید فراموش کرد که ورود به ساحت تمدن سازی در گرو ابداع یک فناوری نرم به منظور تقویت سلامت و تندرستی جسمی و روحی آحاد جامعه است.

هفدهم. در امنیت و دفاع

به لطف الهی جمهوری اسلامی در موضوع امنیت و دفاع در میان کشورهای منطقه سرآمد است؛ چه امنیت داخلی و چه امنیت مرزی. با این وجود نباید از نظر دور داشت که شکل گیری تمدن در شرایط ناامنی، ترس و بی ثباتی ناشی از آن امکان پذیر نیست. از طرف دیگر ورود به ساحت تمدن سازی آن هم در عرض تمدن غرب، دشمنی ها و شرارت های گوناگونی را در پی خواهد داشت. با این وصف، بالا بودن قدرت امنیتی- دفاعی با رویکرد دفع تهدید، شرط لازم برای تداوم برنامه تمدنی جمهوری اسلامی خواهد بود.

هجدهم. در تشکیل امت واحده اسلامی

با اینکه در شکل گیری هر تمدنی یک نقطه شکوفایی و آغار وجود دارد و بعداً تمدن ها به سایر نقاط سرایت نموده و خود را جهانی می کنند، لکن واقعیت این است که تشکیل امت واحده اسلامی و همگرایی و هم افزایی میان ملت های مسلمان در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی هر قدر زودتر اتفاق بیفتد، مسیر تمدن سازی هموارتر خواهد شد. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشد. در این فرمایش، ایمان عامل یک اتصال طبیعی معرفی می شود آن هم اتصالی مانند اتصال اجزاء بدن با یکدیگر، اما همانطور که بدن یک فرمانده دارد، جامعه اسلامی هم زمامی به وحدت می رسد که یک فرمانده آن هم از جنس خود ایمان داشته باشد که در روایات این فرمانده و عامل وحدت امام معرفی شده است. حضرت صدیقه طاهره(س) می

فرمایند: رهبری ما اهل بیت عامل وحدت است. علی ای حال، من معتقدم باید در زمینه ایجاد امت واحده اولاً نوآوری کرد و ایده های تازه ای را به جای ایده های ناکارآمد و شکست خورده به میدان آورد ثانیاً، از قدرت نهاد امامت و رهبری برای ایجاد این وحدت بیشتر استفاده کرد. من در زمینه امت واحده در تاریخ ۳/۵/۹۸ بحث مفصلی دارم که علاقمندان را به آن بحث ارجاع می دهم.

نوزدهم. در روابط جهانی

تمدن نوین اسلامی قرار نیست خود را در یک جزیره حبس کند و خودش را از امکان و فرصت ارتباط و تعامل با دیگر جوامع و فرهنگ ها محروم کند. هر جامعه ای نقاط قوتی دارد و دأب اسلام، شناسایی و بهره گیری از نقاط قوت دیگران است. از طرف دیگر، در میان غیر مسلمانان هم ملت های با ظرفیتی هستند که به اهداف و مقاصد اسلامی علاقه نشان می دهند و حاضرند در تشکیل یک تمدن جدید مبتنی بر جهان بینی الهی با مسلمانان همراهی کنند. بنابراین، روابط جهانی نقش مهمی در شکل گیری تمدن نوین اسلامی و به ویژه خنثی سازی تمدن رقیب یعنی تمدن مدرن غرب دارد. در این زمینه ما نه تنها فاقد یک تئوری و مدل جامع هستیم بلکه از یک طرح عملیاتی مبتکرانه هم بی بهره ایم.

من در اینجا قصد احصاء همه موارد را نداشته ام و ممکن است بعضی مایل باشند موارد دیگری را هم به فهرستی که ارائه شد اضافه کنند. آنچه مسلم است، موقعی انتظار ما یک انتظار سازنده است که روی پای خود بلند شویم اما به همین بلند شدن اکتفا نکرده و شروع به دویدن کنیم. وقتی صحبت از تمدن نوین اسلامی به مثابه یکی از مصادیق عالی انتظار سازنده می کنیم، منظورمان همین دویدن رو به جلوست.